

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ می ۲۰۱۹

راه مبارزه با افتضاح، کتمان آن نیست!

۱

سه شنبه- ۳۱ ثور ۱۳۹۸ - کابل: ضرب المثلی داریم که می گوید: "غریب را که خدا می زند، در یک روز دو جای مهمان می شود" در اینجا وقت شما را به توضیح ضرب المثل نمی گیرم، زیرا مطمئن هستم کاملاً قابل درک و فهم می باشد. علت آغاز سخن با آن این است که امروز از اهم اخبار می بایست دو خبر در افغانستان به بحث گرفته می شد.

خبرهایی که در اولی دوام افتضاح در قوه مقننه دولت دست نشانده را می باید بازتاب می داد و در دومی ادعای ختم دوران کار "غنی احمدزی" از جانب مخالفانش یعنی ختم دوران کاری "قوه اجرائیه" توأم با دندان خائی مخالفان و غروفش "غنی احمدزی" و باندش و سکوت مرگ "عبدالله عبدالمود" می بایست انعکاس می یافت، تا جایی که من توانستم در عالم بی برقی اخبار را تعقیب نمایم، چیزی در مورد نشنیدم. یادداشت کنونی را خواهم کوشید به صورت بسیار خلاصه در دو قسمت تقدیم شما خوانندگان عزیز بنمایم:

۱- در دو روز گذشته که به ارتباط افتضاح در "ولسی جرگه" دولت دست نشانده بحث نمودم، صحبت ما به جایی رسید که نوشتن نفس تعیین هیأت مشترک جهت حل اختلاف، می تواند شک در مواضع طرف غالب یعنی "رحمانی" از جانب خودش باشد. آنهم در حالی که مکتوب رسمی از جانب دارالانشای "ولسی جرگه" به دفاتر "غنی احمدزی" و "عبدالمود" فرستاده شده و شخص "رحمانی" به حیث رئیس دوره هفدهم "ولسی جرگه" معرفی شده است و آنها هم رسماً این موفقیت را برای "رحمانی" تبریک گفتند. یعنی قضیه از لحاظ حقوقی و طی مراحل کاملاً خاتمه یافته و هر راه حلی که جهت ختم اعتراض "کمال ناصر اصولی" جست و جو می گردد می باید از طرف شخص رئیس "لویه جرگه" رهبری و عملی گردد.

۲- ادامه سروصدا ها در روز دوم و سوم که از یک جانب "اصولی" در محافظت خانها برچوکی ریاست نشست و از جانب دیگر طرفدانش نیروهای امنیتی "ولسی جرگه" را لت و کوب نمودند، بیانگر آن است که "غنی احمدزی" در اینجا دوسره بازی می کند. یعنی از یک جانب ظاهراً خود را به اراده وکلای جدید همونوا نشان می دهد، و به فرد منتخب آنها تبریک می گوید، مگر از جانب دیگر در خفاء به چوکره هایش دستور می دهد تا وضع "ولسی جرگه" را به اغتشاش و آشوب بکشند.

۳- مسأله ای که در اینجا می باید مطرح گردد، این است که "غنی احمدزی" از این سیاست منافقانه چه می خواهد و چرا به چنین کاری دست یازیده است.

به نظر من آسانترین پاسخ آن است که بنویسیم:

"غنی احمدزی" تبارگرا و فاشیست، شکست متحد و چوکره اش را تحمل نتوانسته و می خواهد با چال و نیرنگ او را به قدرت برساند.

چنین طرز دیدی هرچند ممکن است، بخش هائی از یک حقیقت را در بر گیرد، مگر به هیچ وجه مبین تمام واقعیت نیست، چه گذشته از آن که سوابق ارتباط "رحمانی" با روسها می تواند انگیزه تمام این سروصدا ها و "لجری" ها باشد، مسأله به بحران کشانیدن و عاطل ساختن به اصطلاح "قوه مقننه" در آستانه ختم کار خودش و از آن طریق چه بسا گرفتن تعهداتی از آنها به ارتباط صحه گذاری بر فیصله "ستره محکمه" راجع به دوام مدت کارش، محرک اصلی تمام این درگیری ها باشد.

اگر این حدس هم درست نباشد، باید بپذیریم که پلان تخریب کلی نظام مستعمراتی مد نظر است و با این حرکات می خواهند، امپریالیسم امریکا را وادار سازند تا همه چیز را از صفر شروع نموده، بقای این باند های وطنفروش را تضمین نماید.

نفس کتمان وقایع و اجازه ندان به رسانه ها تا از جریانات و وقایع پشت درهای بسته "ولسی جرگه" گزارشی تهیه دارند و مردم را در خلاء خبری نگه دارند، بیانگر یک روند توطئه آمیز می باشد، ورنه همه کس می داند که مبارزه علیه یک اقتضاح با کتمان آن صورت نمی گیرد، بلکه با شگافتن و تجزیه کامل عواملش می توان از بروز مجدد آن جلوگیری نمود.

ادامه دارد